



# گزارش سفر

- از دریا تا دریا / دکتر جلال ستاری
- کاروان شعر ایران در فرانسه / منصور اوجی
- سفر در ایران با بزرگان ایرانشناس / دکتر تورج دریایی



شهر زیبای کوئیمبرا (Coimbra) که کاوش‌های باستانشناختی متمادی، خرابه‌های باشکوه شهری رومی به نام کونیمبرانیکا (Conimbraniga) را در نزدیکی‌اش کشف کرده است و در موزه بسیار آراسته و مجللی در محل، همه اشیاء به دست آمده از دل خاک و از دورن و بیرون خانه‌های اعیان نشین گرد آمده است، شهری دانشگاهی است. گذرا خاطر نشان کنم که سراسر طبیعت و همه شهرهای بزرگ و کوچک پرتغال (لیسبون، پورتو (Porto) و حتی شهر ساخلوی سرد و مه آلود و باران خیزگواردا (Guarda)؛ جنگل‌های انبوهی که آنها را در میان گرفته است و کوجه‌های سنگفرش تنگ و خلوت و عمارات کهن عالی، زیباست و آنچه به خصوص چشم نواز و دیدنی است، پیاده‌روهای سنگفرش دو رنگ (سیاه و سفید) با نقوش هندسی گوناگون و کاشی‌های چند تکه معرق، نقش‌پرداز مناظر طبیعی و تاریخی و مذهبی به رنگ آبی است که بر دیوار شهرها و کاخ‌ها و کلیساها، نصب شده‌اند، تا آنجا که می‌توان گفت پرتغال از لحاظ شهرسازی و شهرآرایی، سرزمین پیاده‌روهای سنگفرش همچون قالی و کاشی‌های معرق آبی است.

دانشگاه کوئیمبرا که قدمتش به قرن ۱۳ میلادی می‌رسد، اما طی چند قرن، گاه در کوئیمبرا و گاه در لیسبون مستقر بوده است تا آنکه سرانجام در ۱۵۳۷ میلادی، شاه وقت پرتغال آن را در کاخی سترگ که اصلش، قلعه عظیم استواری است که به دستور خلیفه اموی اندلس، المنصور



● صحنه‌ایی از کنفرانس دانشگاه کوئیمبرا

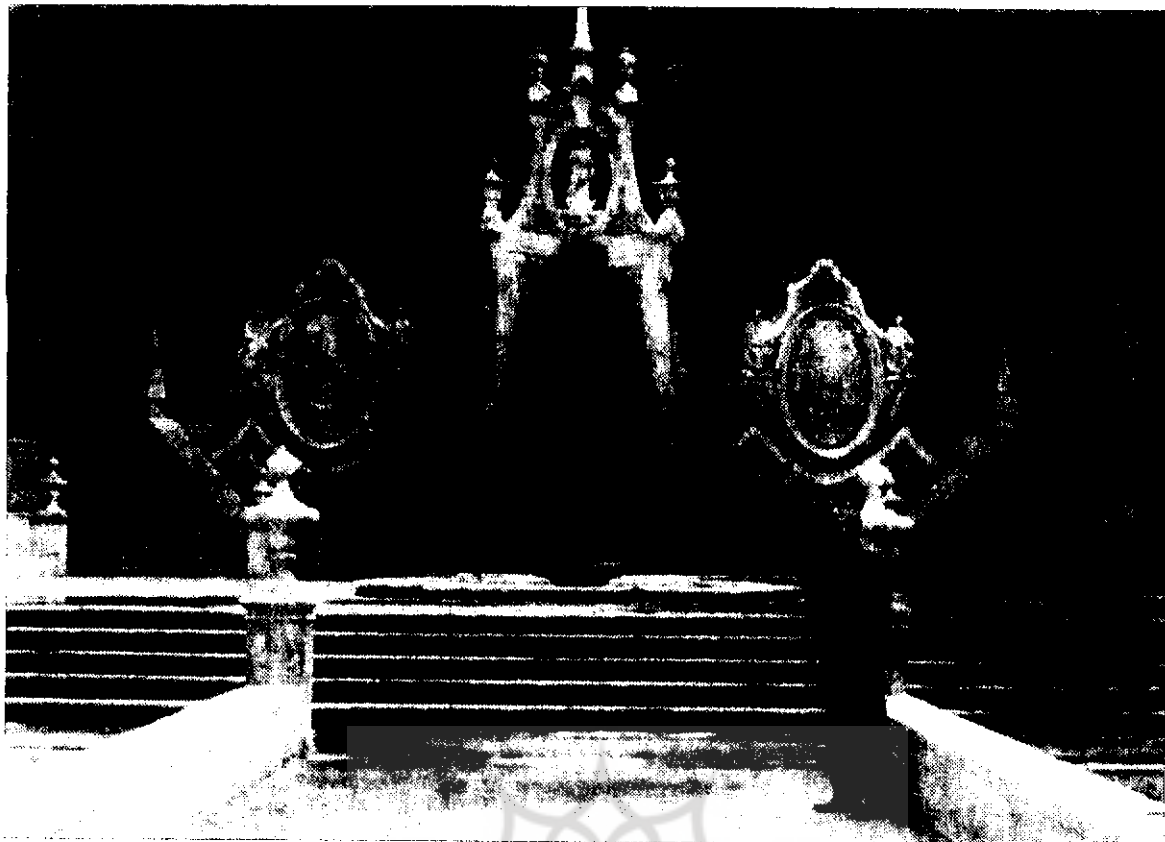
(Almanzor)، پس از فتح شهر (در ۹۸۷ میلادی) برای اسکان سردار (قائد) نگاهبانش بنیاد شد، استقرار یافت. ناگفته نماند که آثار باقیمانده از خلفای اموی اندلس در پرتغال که همه به دقت بررسی شده است، کم نیست<sup>۱</sup> اما این گذشته که پاره‌ای از هویت فرهنگی پرتغال به شمار است، در سایه افتاده است و رغبت و تمایل چندانی هم به آفتابی کردنش نیست. مطلعان به من گفتند که این پرده‌پوشی، مرده ریگ حکومت فاشیستی و دراز مدت سالازار است.

این دانشگاه در ماه مارس ۲۰۰۶ به مدت یک هفته، گرد هم آیی فرهنگی‌ای به نام از دریا تا دریا (De Mar a Mar) برگزار کرد که هشتمین هفته فرهنگی ایست که آن دانشگاه ترتیب داده است. همنشینی روز هفتم مارس با عنوان «مدیترانه، شرق و جهانی شدن» به ایران و اسلام اختصاص داشت، که شش تن در آن روز به ترتیب زیر سخنرانی کردند و در پایان با حضار که همه استادان دانشگاه و دانشجو و محقق در حوزه اسلام و جامعه‌شناس بودند به بحث پرداختند:

---

۱- من در نمایشگاه کتابی که دانشگاه کوئیمبرا ترتیب داد به مناسبت مجلسی که برگزار کرد و شرحش خواهد آمد کتابی در اینباره دیدم:

Christophe Picard, *Le Portugal musulman (VIII - XIII siecle)*, Maisonneuve et Larose, Paris, 2000.



● دکتر جلال ستاری در دانشگاه گوئیمبرا

#### در جلسه صبح

۱- بوئتورا دا سوزا سانتوش Boaventura de Sousa Santos جامعه‌شناس و استاد دانشگاه و رئیس مرکز تحقیقات اجتماعی دربارهٔ جهانی شدن و اسلام، به زبان پرتغالی.

۲- خانم ماریا خسوس مرینرو Maria Jesus Merinero اسپانیایی، استاد دانشگاه کاسرس (Caceres) در اسپانیا دربارهٔ نقش زنان در ایران، به زبان پرتغالی.

۳- آنتونیو گاماندش Antonio Gama Mendes استاد دانشگاه، جغرافی‌شناس و محقق علوم اجتماعی دربارهٔ شرق به زبان پرتغالی.

۴- جلال ستاری دربارهٔ اسطورهٔ ایرانی، به زبان فرانسه<sup>۱</sup>

#### در جلسه بعدازظهر

۵- لوئیس فیلیپ توماش Luis Filipe Thomaz دربارهٔ نفوذ و حضور تمدن ایرانی در هند، به زبان

---

۱- در اینجا لازم می‌دانم از اسلام‌شناس مصری عادل سیداروس، مقیم پرتغال تشکر کنم که در اظهار نظری محبت‌آمیز، اهمیت شناخت اسطوره را حتی (و خاصه) برای درک سیاست‌های حاکم و ارشاد و رهبری‌اش در آینده، خاطر نشان کرد.

پرتغالی. وی که مردی خون‌گرم و نحوش‌آمیز بود در صحنی طولانی با من اظهار داشت که بارها به ایران سفر کرده و تقریباً همه شهرهای ایران را دیده است.

۶ - خانم سوزانا گومز مارتینز Susana Gomes Martinez باستان‌شناس اسپانیایی درباره حضور و نفوذ اسلام در سرزمین مرتولا (در مرز میان پرتغال و اسپانیا) به زبان پرتغالی.

۷ - پیروز افتخاری، استاد زبان فرانسه در دانشگاه کوئیمبرا درباره نهضت مدنیت و پیش نمونه درباری آن (که از فرهنگ ایران خاصه تأثیر پذیرفته است)، به زبان فرانسه.

۸ - لادن افتخاری، استاد موسیقی‌شناسی در دانشگاه‌های کوئیمبرا و گواردای پرتغال، درباره تأثیر موسیقی شرق در موسیقی غرب، به زبان پرتغالی.

در پایان هم‌نشینی، نمایشگاهی زیبا از دستنویس‌ها و خوشنویسی‌های ایرانی و لاتینی افتتاح شد که پیروز افتخاری برای فراهم آوردن آن گنجینه نفیس اهتمام تمام کرده بود و به هنگام گشایش، شعری به زبان پرتغالی که خود آن را سروده بود، خواند.

پایان خوش هم‌نشینی، کنسرت موسیقی ایرانی با شرکت ارسلان کاوه (از ایران) و عباس بختیارن (از پاریس) و توضیحات لادن افتخاری بود که شور و شوق فراوان برانگیخت و لاله تقیان برای حضور آن هنرمندان جانانه از خود مایه گذاشت. ارسلان کاوه سه تار و تنبور و دیوان نواخت و ساز و آوازش در کام و جان ولرم بعضی که توفیق کنسرت را باور نداشتند، آتشی برافروخت و دف نوازی افسون‌گر عباس بختیاری، جوانان شنونده را به راستی از خود بیخود کرد، تا آنجا که جوان کنترباس نوازی به جمع هنرمندان پیوست و با آنان همساز شد.

هم‌نشینی خوش و نیک فرجامی بود که بیگمان در شناساندن فرهنگ ایرانی و تأثیری که فرهنگ اسلامی در شرق و غرب و خاصه در پرتغال داشته است، بی‌اثر نخواهد بود و بجاست که دانشگاه کوئیمبرا، خطابه‌ها و بحث‌های مربوط را به چاپ برساند که گویا انتظاری ناپجاست.